

گزارش

نگرانی سازمان ملل از گسترار ساحل عاج

■ دبیر کل سازمان ملل متحد از آلاسان آواتارا، که از سوی جامعه بین‌المللی رییس جمهور ساحل عاج شناخته می‌شود، خواسته‌است که مورد مرگ صدها نفر که بخشی از آن به هواداران او نسبت داده شده تحقیق کند.

بان کی مون گفت گزارش‌ها از شهر دونکونی او را «نگران» می‌کند اما آلاسان آواتارا گفت طرفدارانش در قتل‌ها نقشی نداشته‌ند. به گفته خبرنگاران حاضر در شهر دونکونی کارکنان سازمان ملل در آن شهر صدها جسد یافته‌اند. در شهر ایبجان، پایتخت ساحل عاج، نبرد میان نیروهای دو رقیب ادامه دارد. نیروهای آواتارا هواداران رقیب‌ا، لوران باگیو، را عقب رانده‌اند.

هامادون توره، سخنگوی سازمان ملل به بی‌بی‌سی گفت که او در نزدیکی کاخ ریاست جمهوری که هم اکنون در اختیار آقای باگیو است، صدای تیراندازی شنیده و افزود که وضعیت بسیار متشنج است. فرودگاه که امنیت آن از روز جمعه توسط نیروهای سازمان ملل تأمین شده، اکنون تحت کنترل نیروهای فرانسوی است که امکان بازگشتی آن را فراهم آورده‌است.

گزارش‌هایی وجود داشت از اینکه سازمان ملل در حال تخلیه حدود ۲۰۰ کارمندش از ایبجان است. اما ایستگاه تلویزیونی ایبجان که هوادار باگیو است از مردم خواست برای مقابله با آنچه «شغال» توسف فرانسوی‌ها خواند بسیج شوند. گزارش می‌شود که نیروهای آواتارا قصد پیشروی بیشتر به سوی کاخ ریاست جمهوری را دارند و مقررات منع تردد در شهر اعمال کرده‌اند.

زندگی خطر

خشونت‌ها در دونکونی هفته گذشته و زمانی روی داد که جنگجویان وابسته به آقای آواتارا با پیشروی به جنوب، نیروهای آقای باگیو را از بخش‌های وسیعی از این کشور عقب رانند. هر دو طرف دیگری را مسوول خشونت‌ها می‌داند. به گفته خبرنگاران شواهدی از غارت در شهر به چشم می‌خورد و بسیاری از خانه‌ها به آتش کشیده شده‌است.

سازمان ملل روز شنبه گفت که هم‌زمان با افتادن کنترل دونکونی به دست نیروهای آواتارا بیش از ۳۳۰ نفر در این شهر کشته شدند و بیشتر این تلفات را به نیروهای او نسبت داد. با این حال به گفته سازمان ملل بیش از ۱۰۰ نفر آنها به دست نیروهای باگیو کشته شدند.

مارتین نسیئر، یک سخنگوی سازمان ملل گفت: «گزارش‌ها از اینکه نیروهای هوادار آواتارا ممکن است بسیاری از غیرنظامیان را در شهر دونکونی کشته باشند، دبیر کل سازمان ملل متحد را نگران کرده و زنگ خطر را برای او به صدا درآورده است. دبیر کل گفت که مسهبان این حادثه باید مسوول دانسته شوند. مقام‌های سازمان ملل هنوز در حال تحقیق هستند و می‌گویند آمار نهایی تلفات ممکن است بالاتر باشد. سازمان امدادرسانی کار برپایه تخمین زده است که ممکن است تا هزار نفر جان باخته باشند.

به گفته سخنگوی سازمان ملل آواتارا گفت که هوادارانش نقشی در مرگ‌ها نداشته‌اند، اما گفت به بان کی مون خبر داده که او دستور تحقیق درباره کشتارها را داده و تحقیقات بین‌المللی هم استقبال می‌کند. هواداران آواتارا می‌گویند که تاکنون ۱۶۲ جسد یافته‌اند که ناشی از نبرد میان شبه نظامیان باشد.

تیم‌ری بر کهپار، سخنگوی وزارت دفاع فرانسه می‌گوید که این کشور ۳۰۰ سرباز دیگر به ساحل عاج اعزام کرده است که شمار نیروهای این کشور را به ۱۴۰۰ می‌رساند. او گفت که هدف تشدید قوا به دست گرفتن کنترل فرودگاه است که در هماهنگی با ماموریت سازمان ملل انجام شد تا امکان بازگشتی آن به روی هواپیماهای غیرنظامی و پروازهای نظامی فراهم شود. بر کهپار افزود که ماموریت اصلی این نیرو همچنان حفاظت از شهروندان فرانسوی است که از سوی غارتگران تهدید می‌شوند.

او گفت: «ما در حال حاضر در ایبجان یک خلأ امنیتی را تجربه می‌کنیم زیرا نیروهای امنیتی ساحل عاج، که تا به حال از دستوره‌های باگیو پیروی می‌کردند، در شمار گسترده به فرافران پوزبندت آواتارا توجه کردند.» او گفت که هیچ طرح فوری برای شروع تخلیه شهروندان خارجی وجود ندارد، هر چند حدود ۱۶۰۰ نفر در یک اردوگاه نظامی فرانسه پناه گرفته‌اند.

به گزارش رسانه‌های فرانسوی اینها شامل حدود ۷۰۰ شهروند فرانسوی، تقریباً ۶۰۰ لبنانی و ۶۰۰ نفر هم از ملیت‌های مختلف اروپایی هستند.



دکتر سیدمحمد صدر

مبارزات فلسطینی‌ها که امروز تحت عنوان مقاومت علیه اشغالگران صهیونیستی نامیده می‌شود در یک تقسیم‌بندی تاریخی سه دوره یا سه مرحله مبارزاتی را از ابتدای شکل گیری آن تاکنون پشت سر گذاشته است:

دوره اول

از آغاز فعالیت جنبش صهیونیسم اواخر قرن ۱۹ میلادی در داخل فلسطین شروع شدو تا سال ۱۹۶۷ با شکست سنگین دولت‌های عربی از اسرائیل ادامه یافته است. ویژگی این دوره مبارزات پراکنده و غیرمنسجم گروه‌ها یا افراد فلسطینی علیه یهودیان به ویژه مهاجران است. سازماندهی قوی تشکیلاتی وجود ندارد اما حمایت دولت‌های عربی به ویژه مصری‌ها در کنار نهضت فلسطین به نحو نسبتاً مطلوبی وجود دارد.

دوره دوم

از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۸ است که دولت اشغالگر اسرائیل توسط سازمان آزادی‌بخش فلسطین (مورخ ۱۳۱۵/۸۸) با تشکیل اجلاس مجلس ملی فلسطین در الجزایر به رسمیت شناخته می‌شود.ویژگی این دوره سازمان یافتگی مقاومت فلسطینی‌ها و انجام عملیات‌های گسترده‌تر و عمیق‌تر حتی در سطح جهان است. اوج فعالیت‌های ساف، فتح و گروه‌های دیگر مسلح در این دوره است. البته حمایت کشورهای عربی به مراتب کمتر از گذشته بوده و بزرگ‌ترین کشور عربی که قوی‌ترین آن هم هست یعنی مصر با رژیم اسرائیل قرارداد صلح امضای کند.

دوره سوم

۱۹۸۸ یعنی آغاز شروع انتفاضه تا امروز است که اساسا شکل و مضمون مقاومت تغییر می‌یابد. مردم وارد صحنه مبارزه می‌شوند و پیام ویژه این دوره بر جستگی پیام دینی و اسلامی مبارزه است.برای پرداختن به ریشه‌های مقاومت در فلسطین نمی‌توان دو اتفاق مهم در صحنه داخلی که البته مرتبط با تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است را نادیده گرفت. این دو اتفاق که در واقع نقطه عطف مهمی در تغییرات بنیادین منطقه و شکل‌گیری واحدهای سیاسی جدید به تبع آن اسرائیل و جریان مقاومت فلسطینی‌ها به حساب می‌آید یکی توافقنامه سایکس – پیکو در تاریخ ۵/۹/۱۹۱۶ است که سرزمین‌های دولت قروانیسده عثمانی بین دو قدرت انگلستان و فرانسه تقسیم می‌گردد و عملاار تشر انگلیس در منطقه فلسطین جایگزین نمایندگان مسلمان عثمانی می‌گردد. دوم وعده بالقور در ۱۲/۱۹۱۷ است که دولت انگلستان با درخواست یهودیان مبنی بر تأسیس میهن یهودی در فلسطین موافقت می‌کندو وزیر خارجه انگلیس متعهد می‌گردداز یهودیان موجود در فلسطین و از روند مهاجرت آنان حمایت کند. البته این دو اتفاق مهم و تعیین کننده، موجب شد جریان مبارزاتی فلسطینی‌ها علیه نیروهای انگلیسی و جنبش صهیونیسم افزایش یابد. قابل ذکر است که مبارزه فلسطینی‌ها هم‌زمان با شکل‌گیری جنبش صهیونیسم در داخل سرزمین فلسطین آغاز شده بود. جنبش صهیونیسم توسط سازمان جهانی یهود در اواخر قرن ۱۹ میلادی با هدف ترغیب بیشتر یهودیان به مهاجرت به فلسطین و حمایت از حضور آنان در این سرزمین شکل گرفته بود.بنیادین گفت‌اولین تشکل مقاومتی در فلسطین هم‌زمان با آغاز جنگ جهانی اول تحت عنوان «جبهه مقاومت صهیونیسم» به وجود آمد که مرکزیت آن در قدس و حیفا بود. این جبهه که هدف خود را مقابله مستقیم با جنبش صهیونیسم اعلام کرد متشکل از روشنفکران و افراد ادنی‌توق فلسطینی بود که بعدا به مناطق دیگر مانند سوریه نیز توسعه پیدا کرد. این افراد با استفاده از هر امکانی تلاش می‌کردند مانع مهاجرت یهودیان شوند که در آن زمان شامل یهودیان مهاجر نیز می‌شد. خبر تشکیل این جبهه را روزنامه مصری الاقلام در ۱۹/۱۲/۱۹۱۹ منتشر کرد. تلاش اولیه این جبهه، آگاه‌سازی افکار مختلف مردم نسبت به خطر مهاجرت تدریجی یهودیان بود.تا اعلام وعده بالقور این وضعیت ادامه یافت. یکماه بعد در پایان سال ۱۹۱۷ اولین گروه از ارتش سلطنتی انگلستان به فرماندهی ژنرال الین وارد فلسطین و قدس گردید. راه ورود نظامیان انگلیسی توسط اقدامات حمایتی گسترده و کمک‌های رهبران عرب مانند شریف حسین با جنگ‌هایی که علیه نظامیان عثمانی کرده بودند فراهم گردید. آلتنی پس از ورود به فلسطین اقداماتی را در جهت مهاجرت و اسکان یهودیان در اطراف قدس به عمل آورد. در این میان نقش بسیار فعال حاییم وازمن، رهبر جنبش صهیونیسم را که مذاکرات سری طوالتی با رهبران سیاسی و نظامی انگلستان به عمل می‌آورد نباید فراموش کرد.از نظر اعراب اقدام آلتنی یک خیانت بزرگ محسوب می‌شدازان به بعد در سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ درگیری‌ها و تظاهرات مردمی از سوی جمعیت‌های اسلامی و مسیحی در قدس علیه اقدام یهودیان در اطراف این شهر ادامه یافت. این درگیری‌ها به تدریج ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت و به شهرهای نابلس و الخلیل نیز منتقل گردید. در آوریل ۱۹۲۰ طی یک درگیری مسلحانه تعداد ۲۰ یهودی کشته شدند.نیروهای انگلیسی تلاش نمودند براساس وعده بالقور از مهاجرت یهودیان و اسکان آنان حمایت کننداز سوی دیگر فلسطینی‌ها در قالب تشکل جبهه مقاومت فلسطینی اقدامات سیاسی داخلی خود را سازماندهی کرد و دو کنفرانس ملی را برای تأیید نظر تشکیل دادند. کنفرانس سوم فلسطینی‌ها در شهر حیفا بیانییه‌ای را صادر کرد و در سه بند اعلام داشت که وعده بالقور را نمی‌پذیرد، در برابر مهاجرت یهودیان مقاومت خواهد کرد و به دنبال استقلال و حکومت ملی در فلسطین است. ریاست فلسطینی‌ها را در این نشست حاج موسی کاطم الحسینی که دارای گرایشات اسلامی بود، عهده‌دار شد. در سال ۱۹۱۸ تعداد اعراب بیش از ۵۰ هزار نفر بود که در صد از خاک فلسطین را در اختیار داشتند در حالی که تعداد یهودیان ۵۵ هزار نفر بر آورد گردید. در سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ صحنه فلسطین به ویژه در قدس شاهد درگیری‌های ایدئولوژیک بین اعراب و یهودیان مذهبی بود که بر سر عبادت در کنار دیوار براق یادیه با یکدیگر در گیر می‌شدند. در آن زمان قدرت عر‌ب‌های فلسطینی در قدس از نظر تعداد و امکانات بر یهودیان برتری فاحش داشت و معمولا بر آنها غلبه می‌کردند. در عین حال نیروهای انگلیسی معمولا دخالت کرده و اجازه گسترش درگیری‌ها را نمی‌دادند. مهم‌ترین حادثه در ۱۳ اوت ۱۹۲۹ تحت عنوان انقلاب براق روی داد که نمازگزاران مسجدالاقصی به محله یهودیان در کنار دیوار براق حمله بردند و این درگیری به دیگر محله‌ها و مناطق مشترک فلسطینی – یهودی نیز کشیده شد و طی سه روز نزاع خونین بیش از ۲۰۰ کشته و صدها



مروج از دو طرف بر جای گذاشت.نیروهای ارتش انگلیس که قبلا طی بیانییه‌ای، در اختیار داشتن سلاح توسط فلسطینی‌ها و یهودیان را ممنوع اعلام کرده بودند پس از درگیری‌های مسلحانه فوق‌الذکر تعدادی را از دو طرف بازداشت نمودند و طی یک برخورد خشن ۲۵ نفر فلسطینی و تنها یک یهودی را به اعدام محکوم کردند. این اقدام انگلیس زمینه‌های درگیری و عملیات‌های مسلحانه فلسطینی‌ها را به صورت پراکنده علیه مراکز ارتش سلطنتی ونیز یهودیان گسترش داد.در اواسط سال ۱۹۳۱ نماینده دولت انگلستان در فلسطین به یهودیان اجازه می‌دهد برای حفاظت و حراست از شهرک‌های یهودی از سلاح استفاده کنند. این امر عملا به رشد جریان‌ات مسلحانه در بین فلسطینی‌ها کمک کرد. یک سازمان انقلابی سری که رهبری آن را حاج امین الحسینی، رییس مجلس اعلای اسلامی و مفتی قدس برعهده داشت با حمایت و همراهی شکیب ارسلان درزی اعلام موجودیت کرد و عملیات‌هایی را علیه یهودیان انجام داد ولی با جدا شدن ارسلان این سازمان فروپاشید. در اواخر سال ۱۹۳۱ هم‌زمان با ۲۷ رجب روز معراج در یک اقدام جمعی حاج امین الحسینی کنفرانسی را از جهان اسلام در قدس تشکیل داد که از ایران سیدضیاءالدین طباطبایی و از کشورهای دیگر شخصیت‌هایی مانند کاشف‌الخطاء، اقبال لاهوری، عبدالقادر گیلانی، ریاض الصلح، رشید رضا و دیگران در آن حضور یافتند. در پایان این کنفرانس تعدادی به عنوان عضو کمیته اجرایی تعیین شدند که سیدضیاء و کاشف‌الخطاء نیز جزو آنها بودند و نهایتا حاج امین الحسینی به عنوان رییس و سیدضیاء طباطبایی به عنوان دبیر کل دائم آن منصوب شدند. این کنفرانس عملا شیوه‌نامه‌ای و مذاکراتی را با طرف‌های انگلیسی در پیش گرفت و امین الحسینی با راه‌یاب‌هایان ملاقات و مذاکره کرد.

قیام شیخ عزالدین القسام

وی متولد لاذقیه سوریه، فارغ‌التحصیل الازهر مصر، امام جماعت و خطیب بانفوذی بود که در سال ۱۹۲۱ به دلیل شرکت در عملیات علیه نیروهای فرانسوی چون تحت تعقیب بود به فلسطین گریخت و در شهر حیفا ساکن شد و به تدریج مدرسه‌ای را تأسیس کرد و با سخنرانی‌های خود جایگاه مثبتی نزد مردم حیفا پیدا کرد. وی ابتدا جمعیتی را با نام جمعیت جوانان مسلمان تأسیس کرد و پس از تلاش‌های فرهنگی سرانجام در ۱۹۲۵ تشکیلات مسلحانه سری را از میان جوانان جمعیت مذکور سامان داد. وی محل عملیات خود را به جنبش یهودیان خود را در آنجا عملیات یهودیان مهاجر و کاروان‌های مسلح انتقال یهود رهبری کرد تا اینکه توسط نیروهای انگلیسی شناسایی و محاصره شد و طی یک درگیری در اواخر سال ۱۹۲۵ به شهادت رسید. اهمیت قیام شیخ عزالدین بیشتر از این جنبه است که وی کارهای زیادی را که عموما از جوانان متدین و مذهبی بودند آموزش ایدئولوژیک و نظامی داد و این افراد بعدا پایه‌گذار قیام‌های دیگری را تأقیل تأسیس اسرائیل شدند. جنبه دیگر اهمیت اقدام شیخ عزالدین، هم‌زمانی وی با ریاست حاج امین الحسینی بر اوقاف و مجلس اعلای اسلامی فلسطین بود که شیوه مسالمت آمیزی را در پیش گرفته بود. گفته شد شیخ عزالدین بارها از امین الحسینی درخواست سلاح و مساعدت مالی کرده که بدون پاسخ گذاشته شده است. از سلاح مورد نیاز از سوریه و اردن وارد می‌کرد. در سال ۱۹۲۹ جنگ جهانی دوم آغاز می‌شود. در فلسطین دو اتفاق می افتد اول، نیروهای مبارز فلسطینی از آلمان و رهبران هیتلر حمایت می‌کنند حتی حاج امین الحسینی که از خیانت انگلستان و رفتار آنان به سود یهودیان به ستوه آمده به آلمان سفر می‌کند و با هیتلر دیدار و مورد حمایت سیاسی او قرار می‌گیرد. دوم، نیروهای مسلح یهودی در کنار ارتش فلسطین با نیروهای فرانسوی حکومت ویشی (حامی هیتلر) در سوریه و لبنان می‌جنگند، هر آنها موشه دایان بوده که یک چشم‌خود را در همین جنگ‌ها از دست می‌دهد. این مساله که در نهایت با پیروزی متفقین همراه بوده شرایط سیاسی یهودیان را در داخل فلسطین پس از جنگ بهبود چشمگیری داده و منجر به قطعنامه تقسیم‌بندی فلسطین در کنار ارتش انگلیسی می‌شود.

قیام عبدالقادر الحسینی

پس از قرار تقسیم و متعاقب آن اعلام تأسیس دولت صهیونیستی در ۱۴/۵/۱۹۴۸، جریان مبارزاتی در داخل فلسطین علیه صهیونیست‌ها شدت پیدا می‌کند. در حالیکه یهودیان به جشن و پایکوبی می‌پردازند خشم و غضب و نگرانی فلسطینی‌ها را فرا می‌گیرد و تظاهرات گسترده مردم علیه سازمان ملل و یهودیان تمام مناطق عربی را فرا می‌گیرد. عبدالقادر الحسینی که از مبارزان مشهور قدس بوده با فراهم نمودن نیروهای جوان و آموزش دیده اقدامات نظامی متعددی را علیه ورود یهودیان به قدس به عمل می‌آورد. حوزه عملیات وی راه‌های ارتباطی بین قدس و تل آویو بوده و موفقیت‌هایی را نیز به دست می‌آورد تا اینکه توسط نیروهای انگلیسی قبل از خروج از فلسطین محاصره و شهید می‌شود.

ارتش نجات‌بخش فلسطین

فلسطینی‌ها که حاضر به پذیرش قطعنامه ۱۸۱ نشده بودند و ارتش و دولت و سیستم دفاعی در اختیار نداشتند با موج عملیات‌های نظامی و پارتیزانی گروه‌های تندرو صهیونیستی مانند هاگانا، اشترن و ارگون روبه‌رو شدند. در این مقطع شهرها و روستاهای عرب‌نشین فلسطینی هدف این حملات واقع

جهان

ریشه‌های مقاومت در فلسطین



می‌گردد تا به تدریج مردم عرب وادار به فرار شوند.در چنین شرایطی کشورهای عربی که تازه استقلال یافته و با یکدیگر اختلافات زیادی داشتند در قاهره گرد هم آمدند و ارتشی را به نام ارتش آزادی‌بخش فلسطین تأسیس کردند. هدف آنها مقابله با یهودیان در داخل فلسطین بود. فرماندهی این ارتش به یک افسر عراقی به نام اسماعیل صفت داده شد. اوج اختلافات عربی بین عبدالله اول در اردن که خواستار وحدت اردن و فلسطین بود با سوریه که خواهان وحدت شامات از جمله کل فلسطین بود و نیز مصری‌ها به رهبری ملک فاروق که ادعای ریاست و رهبری جهان عرب را داشتند عملا اجازه فعالیت جدی به ارتش نجات‌بخش را نداد اما این کشورها هر کدام به نمایندگی از طرف خودشان وارد جنگ با اسرائیل به فاصله کوتاهی پس از اعلام موجودیت اسرائیل شدند.ارتش‌های عربی با همراهی مبارزان فلسطینی در آغاز جنگ یهودی عربی داشته و تا استانه تل آویو جلو رفتند اما سبیل کمک‌های تسلیحاتی غرب به اسرائیل و خیانت‌های پشت پرده رهبران عرب که حکومت‌های خود را مدیون غرب می‌دانستند موجب شکست سنگین ارتش‌های عربی و تصرف بیشتر فلسطین توسط اسرائیل شد.

جنبش ناسیونالیستی عرب (ارح که القومین العرب)
بین سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۶ این جهان عرب شاهد کودتاهای نظامی بسیاری بود. مهم‌ترین آنها در مصر باروی کار آمدن افسران آزاد به رهبری ژنرال نجیب و جمال عبدالناصر اتفاق افتاد. محیط داخلی فلسطین روند مبارزاتی فلسطینی‌ها نیز تحت تأثیر اندیشه‌های ناسیونالیستی قرار گرفت. جنبش ناسیونالیستی عرب به عنوان یک جریان مقاومتی در سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۵۴ توسط برخی دانشجویان فلسطینی دانشگاه آمریکایی بیروت پایه‌گذاری شد. رهبران این جنبش جرج حبش، ودیع حدادو احمدالخطیب بودند. قبل از این جنبش، جمعیتی تحت عنوان عروه‌الوقفی که دارای گرایشات لیبرالیستی بود در دانشگاه مذکور شکل گرفته و فعالیت می‌کرد. جرج حبش و دوستانش که تحت تأثیر ایدئولوژی مارکسیسم تدریس می‌بودند، وارد این جمعیت شدند و به تدریج بر آن سبطره پیدا کردند. این جریان از همه اعراب عضو می‌پذیرفت. گروه چریکی این جنبش در سال ۱۹۵۶ هم‌زمان با جنگ کاتال سوئز تحت‌عنوان «شباب‌الثار» شکل گرفت که بیشتر به افکار حزب بعث تمایل داشت اما به تدریج جذب جریان ناسیونالیستی ناصر گردید. اختلافات درون این جنبش نیز بین حامیان عبدالکریم قاسم و جمال عبدالناصر بالا گرفت. این روند دو سنگی را تا جنگ ۱۹۶۷ ادامه داشت. گروه چریکی جنبش در جنگ مشترک ت نمود اما با شکست سنگین اعراب، جنبش ناسیونالیستی عرب به جبهه آزادی‌بخش فلسطین تغییر نام داد و ایدئولوژی خود را مارکسیسم لنینیسم اعلام نمود. (اولین بیانییه آنها در ۱۱/۱۲/۶۷ منتشر شد).
اوایل سال ۶۸ عرج حبش ودیع حداد از جبهه بودند و بنا عارضه‌گیری در داخل فلسطین در پیروزی انتفاضه نقش موثری ایفا کردند. جهاد اسلامی گرچه کوچک‌تر و از نفوذ به مراتب کمتری از حماس در بین فلسطینی‌ها بر خود را است اما بی تردید سومین گروه در فلسطین پس از حماس و فتح است. گرایشات اسلامی، ریشه اخوانی، مبارزه مسلحانه و نزدیکی به جنبش‌های مقاومتی دیگر در منطقه مانند حزب‌الله لبنان از ویژگی‌های مشترک جنبش جهاد اسلامی و حماس است. دکتر فتحی شقاقی در اکتبر ۱۹۹۵ در جزیره مالت توسط موساد اسرائیل به شهادت رسید و از آن به بعد رهبری آن‌را دکتر رمضان عبدالله شلح در اختیار دارد که در دمشق مستقر است. جنبش جهاد اسلامی در عملیات‌های مهمی علیه اسرائیل شرکت داشته است. گردان‌های قدس شاخه نظامی این جنبش است که به عده عملیات‌های خود را در داخل فلسطین انجام می‌دهد. این جنبش از نظر سیاسی مخالف دولت خودگردان و توافقنامه اوسلو است.

انتفاضه دوم فلسطین
این انتفاضه موسوم به انتفاضه الاقصی است که در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ پس از ورود آریل شارون به صحنه مسجدالاقصی و به نشانه اعتراض مردم مسلمان فلسطین به این اقدام وی آغاز گردید و به‌طور نسبی ادامه دار.د این اقدام شارون نه تنها موجب حضور اعتراض آمیز و درگیرانه مردم فلسطین در خیابان‌ها و محله به نیروهای صهیونیستی گردید بلکه در سایر کشورهای عربی و اسلامی نیز مردم را به خیابان‌ها کشاند. این شیوه مبارزاتی به لحاظ فراگیری آن در دیگر کشورها، در تاریخ فلسطین بی سابقه بوده است. باوجود اینکه انتفاضه اول در سه سال بیشتر به طول انجامید و در سال ۱۹۹۴ متوقف شد، اما اسرائیل و جامعه بین‌الملل را همراه با برخی رهبران عرب سرسرمه وارد روند پر شتاب مذاکرات سازش بین دو طرف عربی و اسرائیل کرد که البته نتیجه آن توافقنامه اسلو و صلح وادی عرب به این اردن و اسرائیل بود. این اقدامات موجب آسیب مجدد فلسطینی‌ها و تشنه انتفاضه شد. اما با اقدام شارون و شروع انتفاضه دوم که دامنه آن فراگیرتر از قبلی بود گرچه مذاکرات اعراب و فلسطینی‌ها با اسرائیل به شکل‌های مختلف ادامه یافته است و نتیجه‌ای تاکنون دربر نداشته است. دستاورد عملی و انتفاضه برای مردم فلسطین، پس از تجربه شیوه‌های مختلف مبارزاتی نشان می‌دهد که امید به حمایت دولت‌های عربی نزد فلسطینی‌ها وجود ندارد و این مردم توجه مصری‌ها را قرار داشت. اراده‌ای مستقل به مبارزه خواهند پرداخت.

مهندس ساختمان مشغول به کار شده بود.جنبش فتح به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سازمان انقلابی فلسطین از بدو شروع مبارزات مسلحانه تا زمان انتفاضه ۱۹۸۷ و به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه مقاومتی در ساف، محبوبیت خود را در بین فلسطینی‌ها به‌دلیل اقدامات چریکی و مقاومتی بزرگی که انجام داد به‌دست آورد. این جنبش پایگاه‌های خود را پس از شکست اعراب در جنگ ۶۷ در مرزهای کشورهای عربی همچوار فلسطین ازجمله مرزهای اردن قرار داد. پیروزی فتح در جنگ کرامه و اقدامات مسلحانه در داخل اسرائیل و علیه صهیونیست‌های خارج فلسطین اوج مبارزات فتح است اما این جنبش مردمی از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد درگیر اختلاف با دولت‌های عربی شد. شاید یکی از دلایل آن قدرت بیش از حد انتظار این جنبش و نگرانی رهبران دولت‌های عربی بود. به‌ر حال در سال ۱۹۷۰ جنبش فتح با تنش اردن درگیر و با اتفاق موسوم به سپتامبر سیاه مجبور به ترک اردن و اقامت در جنوب لبنان گردید. درگیری و نزاع با مسیحیان لبنانی و جنگ داخلی در این کشور موجب هجوم اسرائیل به جنوب لبنان و سپس اشغال بیروت شد. نتیجه این نزاع، اخراج عرفات و جنبش فتح از لبنان و اقامت در تونس بود که عملا این جنبش را از نظر نظامی و میزان نفوذ در بین فلسطینی‌ها به تضعیف کشانید. عرفات از این پس حجم تحرکات سیاسی خود را با استفاده از مشروعیت سیاسی ساف افزایش داد و به‌طور کامل ساف را در اختیار گرفت. با تصف کشورها پس از صلح سادات با اسرائیل و امضای قرارداد کمپ دابید در ۱۹۷۹، شیوه مبارزاتی ساف به سمت سازش و مذاکره پیش رفت تا اینکه در سال ۱۹۸۸ مجلس ملی فلسطین، اسرائیل را به رسمیت شناخت.

انتفاضه اول فلسطین و اعلام موجودیت حماس

انتفاضه اول یا انقلاب سنگ در اواخر سال ۱۹۸۷ ایتبار در غزه علیه اشغالگران اسرائیلی شکل گرفت و سپس به کرانه باختری و متعاقب آن به داخل سرزمین‌های اشغالی ۴۸ کشیده شد. ویژگی آن حضور اقشار مختلف مردم به‌طور گسترده در مقابله با نیروهای صهیونیستی بود. اسباب شکل‌گیری انتفاضه را هر گروه براساس دیدگاه خود تفسیر کرده است. اما نقطه آغازین آن پس از کشته‌شدن نظامی ارتش صهیونیستی در مرز غزه اسرائیل به وسیله یک کامیون نظامی ارتش صهیونیستی بود. البته شاید بهترین دلیل آن را بتوان سرخوردگی و یأس اعراب از اقدامات دولت‌ها و نیز گروه‌های مسلح فلسطینی ازجمله فتح دانست. در این جریان مساجد و انمه جماعات نقش مهمی در بسیج و سازماندهی مردم برعهده گرفتند. شیخ احمد یاسین برخی دیگر از رهبران اخوان المسلمین در فلسطین از جمله عبدالعزیز الرنتیسی بلافاصله پس از شروع انتفاضه اول آغاز یک جنبش اسلامی در فلسطین را با صدور بیانییه‌ای در دسامبر ۱۹۸۷ اعلام داشتند که بعدا تحت عنوان حرکت مقاومت اسلامی فلسطین – حماس – نامیده شد. مشی این جنبش مسلحانه و ورود همه اقشار مردم فلسطین در آن آزاد اعلام گردید اما خط فکری آن بر گرفته از جریان اخوان المسلمین باقی ماند. حماس در عملیات‌های بسیاری در داخل فلسطین و در کرانه باختری و غزه علیه نیروهای اسرائیلی شرکت کرد. شاخه نظامی این جنبش «گردان‌های عزالدین القسام» نام دارند. نیروهای اسرائیلی در اقدامی تروریستی طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵

شیخ احمد یاسین، رهبر این جنبش و برخی مسوولان دیگر آن را به شهادت رساندند. جنبش حماس در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶ فلسطین شرکت کرد و موفق شد اکثریت کرسی‌ها را (۷۶ درصدی از ۱۳۲) به‌دست آورد. رهبران این جنبش در داخل فلسطین در حال حاضر اسماعیل هنیه و رییس دفتر سیاسی آن خالد مشعل است که در سوریه اقامت دارد. اختلافات جنبش فتح و حماس در داخل فلسطین، موجب شد که پس از خروج نیروهای اسرائیلی از نوار غزه، مدیریت کامل این نوار از سال ۲۰۰۶ در اختیار حماس قرار گیرد.

جنبش جهاداسلامی

در اواخر دهه ۱۹۷۰، دکتر فتحی شقاقی که خود دارای گرایشات اخوان المسلمین بود همراه با دو فلسطینی فعال دیگر به نام عبدالعزیز عوده و دکتر بشیر موسی این جنبش را پایه‌گذاری کردند. این افراد تحت تأثیر انقلاب اسلامی در ایران بودند و بنا عارضه‌گیری در داخل فلسطین در پیروزی انتفاضه نقش موثری ایفا کردند. جهاد اسلامی گرچه کوچک‌تر و از نفوذ به مراتب کمتری از حماس در بین فلسطینی‌ها بر خود را است اما بی تردید سومین گروه در فلسطین پس از حماس و فتح است. گرایشات اسلامی، ریشه اخوانی، مبارزه مسلحانه و نزدیکی به جنبش‌های مقاومتی دیگر در منطقه مانند حزب‌الله لبنان از ویژگی‌های مشترک جنبش جهاد اسلامی و حماس است. دکتر فتحی شقاقی در اکتبر ۱۹۹۵ در جزیره مالت توسط موساد اسرائیل به شهادت رسید و از آن به بعد رهبری آن‌را دکتر رمضان عبدالله شلح در اختیار دارد که در دمشق مستقر است. جنبش جهاد اسلامی در عملیات‌های مهمی علیه اسرائیل شرکت داشته است. گردان‌های قدس شاخه نظامی این جنبش است که به عده عملیات‌های خود را در داخل فلسطین انجام می‌دهد. این جنبش از نظر سیاسی مخالف دولت خودگردان و توافقنامه اوسلو است.

انتفاضه دوم فلسطین
این انتفاضه موسوم به انتفاضه الاقصی است که در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ پس از ورود آریل شارون به صحنه مسجدالاقصی و به نشانه اعتراض مردم مسلمان فلسطین به این اقدام وی آغاز گردید و به‌طور نسبی ادامه دار.د این اقدام شارون نه تنها موجب حضور اعتراض آمیز و درگیرانه مردم فلسطین در خیابان‌ها و محله به نیروهای صهیونیستی گردید بلکه در سایر کشورهای عربی و اسلامی نیز مردم را به خیابان‌ها کشاند. این شیوه مبارزاتی به لحاظ فراگیری آن در دیگر کشورها، در تاریخ فلسطین بی سابقه بوده است. باوجود اینکه انتفاضه اول در سه سال بیشتر به طول انجامید و در سال ۱۹۹۴ متوقف شد، اما اسرائیل و جامعه بین‌الملل را همراه با برخی رهبران عرب سرسرمه وارد روند پر شتاب مذاکرات سازش بین دو طرف عربی و اسرائیل کرد که البته نتیجه آن توافقنامه اسلو و صلح وادی عرب به این اردن و اسرائیل بود. این اقدامات موجب آسیب مجدد فلسطینی‌ها و تشنه انتفاضه شد. اما با اقدام شارون و شروع انتفاضه دوم که دامنه آن فراگیرتر از قبلی بود گرچه مذاکرات اعراب و فلسطینی‌ها با اسرائیل به شکل‌های مختلف ادامه یافته است و نتیجه‌ای تاکنون دربر نداشته است. دستاورد عملی و انتفاضه برای مردم فلسطین، پس از تجربه شیوه‌های مختلف مبارزاتی نشان می‌دهد که امید به حمایت دولت‌های عربی نزد فلسطینی‌ها وجود ندارد و این مردم تنها به اتکای خویش و اراده‌ای مستقل به مبارزه خواهند پرداخت.

تحلیل

جرا انقلاب نارنجی او کر این از نفس افتاد

دانیل سندفورد

■ زاپوریژیا یکی از شهرهای صنعتی عمده اوکر این است. این شهر در کرانه شرقی رودخانه بزرگ دنیپر قرار دارد، یعنی جایی که مناطق غربی عمدتا اوکرانی زبان و زراعی به مناطق عمدتا روسی زبان و صنعتی تر شرق کشور می‌رسند.

زاپوریژیا شهری روسی زبان است و یکی از نواحی اوکر این بود که در سال ۲۰۱۰ و به موازات گسترش شعارهای ضد روسی و فساد فلج‌کننده در سرتاسر جامعه، به انقلاب نارنجی کشور پشت کرد. این شهر در نگاه اول، یک شهر عادی متعلق به دوره اتحاد شوروی است. دودکش‌های عظیم آن به آسمان زمستان سر کشیده‌اند و دود سفیدی از آنها بیرون می‌زند. اما این شهر در تاریخ اوکر این و نیز در تاریخ وقایع اتحاد شوروی جایگاه ویژه‌ای دارد. صدها سال پیش این جانمنطقه‌ای استراتژیک بود. مهاجمان قراق مستقر در جزیره خورتیتسا از صعب‌العبور بودن رودخانه‌های منطقه برای غارت کاروان‌های کالا که از آنجا عبور می‌کردند، بهره می‌بردند. بسیاری، این مهاجمان را رنبنانگزاران ملت اوکر این می‌دانند. در دوره اتحاد شوروی یک سد مولد الکتریسیته آبی در این شهر ساخته شد و با بهره‌برداری از ذخایر سنگ‌اهن اطراف، کارخانه‌های تولید فولاد عظیمی ایجاد شدند. بعد از یک کارخانه تولید خودرو هم در این‌جا ساخته شد که معادل روسی فولکس واگن یا بیتل – یعنی زاپوریژتس «هاج‌بک» – را تولید می‌کرد. زاپوریژتس اولین خودروی بسیاری از شهروندان اتحاد شوروی بود. در نتیجه بسیاری از مردم این‌جا، در عین داشتن نوعی روحیه مستقل، با روسیه احساس نزدیکی می‌کنند. روسیه امروز، به مانند دوره اتحاد شوروی، بزرگ‌ترین بازار فروش تولیدات آن‌هاست. اهالی این‌جا روسی صحبت می‌کنند و بسیاری از آنها بستگانی در آن سوی مرز دارند.

پایان رویای نارنجی

مردم زاپوریژیا در برخورد با انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴، که ملی‌گرایان اوکر این را به شکلی مسالمت‌آمیز بر سر کار آورد، محتاطانه عمل کردند. در سال‌های پس از انقلاب نارنجی، دولت در تلاش برای ساخت ملتی جدید، تاکید زیادی بر زبان اوکرانی گذاشت و اختلافات زیادی را روسیه پیش آمد. این امر سوءظن‌ها را در میان اهالی زاپوریژیا تشدید کرد و فساد روزافزون، باعث ایجاد نوعی حس دل‌سری شد. الکساندر سین، شهردار زاپوریژا می‌گوید: «بزرگ‌ترین عامل دل‌سردی پس از انقلاب نارنجی این بود که آنها هیچگاه وعده اصلیشان، که مپار فساد بود را محقق نکردند. علاوه بر آن مردم از جنگ و دعوای مستمر میان رهبران به تنگ آمدند. کارخانه‌های تولید فولاد شهر همچنان کار می‌کنند. یکی از آنها به نام دنیپرو استیل استان زمانی به‌صورت پنهانی برای صنایع دفاعی اتحاد شوروی فولاد تولید می‌کرد، اما حالا الیاز‌های تخصصی خود را به شرکت‌های نفتی و هوا-فضای سراسر دنیا صادر می‌کند. این صنعت، صنعتی پر رونق و آینده‌دار است و از جایگاه جدید اوکر این در جهان نهایت بهره را می‌برد. اما کارگران شافل در آن گفتند که اقدامات دولت قبلی در اجباری کردن زبان اوکرانی و تاکید بر پیوستن به اتحادیه اروپا در این شهر طرفداران زیادی نداشته است. یک متاورویست گفت: «مامادی که ما حرف یکدیگر را می‌فهمیم زبان اهمیتی ندارد. زبان‌های اوکرانی و روسی شباهت بسیاری به هم دارند.» یکی از مملکات او هم اضافه کرد: «ما مجبور نیستیم به اتحادیه اروپا بپیونیم. من فکر می‌کنم اوکر این می‌تواند با تکیه بر خودش توسعه پیدا کند.» آنها‌ها از دولت جدید به رهبری ویکتور یانوکویچ هم چندان دلخوشی ندارند. اوکر این از نظر میزان فساد به جمع ثلث پایینی کشورهای جهان پیوسته است. مساله خطرناک این است که اگر مردم از احزاب میانه‌رو دل‌سرد شوند، ممکن است به سوی افراطی‌ها بروند.

حزب کمونیست محلی سال گذشته مجسمه‌ای از استالین نصب کرد، که البته اندکی بعد توسط فعالان راست افراطی منفجر شد. طبیعتا زاپوریژا را نمی‌توان آینه تمام‌نمای اوکر این دانست اما نظرات مردم اینجا دیدگاه‌های بخش بزرگی از جمعیت کشور را منعکس می‌کنند. عامل دل‌سردی آنها سیاستمدارانی هستند که چند سال اخیر را صرف ایجاد هویتی کرده‌اند که پیوندهای نزدیک بخش زیادی از اوکر این را با روسیه نادیده می‌گیرد.

مردم خواهان پیوستن به روسیه نیستند. اما در عین حال نمی‌خواهند به شکلی عجولانه، وارد ائتلاف‌هایی با اتحادیه اروپا و ناتو شوند.



منبع: بی.بی.سی